

## بررسی انواع بزهکاران از دیدگاه جرم شناسی

کیان مولانی

کارشناسی ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج

دکتر غلامعلی سنجری

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، جامعه المصطفی، قم، ایران.

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN  
GOOGLESCHOLAR.ENSANI  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

سال پنجم، شماره ۲۱،  
صفحات ۱۲-۱

### چکیده

افزایش روزافزون آمار بزهکاری و تاثیر آن بر جامعه و زندگی افراد غیر قابل انکار و چشم پوشی می باشد که اهمیت پرداختن به این امر از دیرباز مورد توجه جرم شناسان، جامعه شناسان، و حقوقدانان زیادی بوده است بر این اساس هدف از انجام این پژوهش بررسی انواع بزهکاران از دیدگاه جرم شناسی بود. رویکرد این پژوهش توصیفی-تحلیلی به صورت تحلیل محتوا و از نظر ماهیت کاربردی است و روش انجام آن، از نوع کتابخانه ای-اسنادی است. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیانگر این بود که موقعیت و شرایط خانوادگی، محیط زندگی، طبقه اجتماعی، وضعیت شغلی و اقتصادی، سن و بسیاری دیگر از عوامل در نوع عمل مجرمانه افراد تاثیرگذار است و بر همین اساس بزهکاران در گروه های مختلفی تقسیم بندی می شوند مانند بزهکاران یقه سفید که از بین طبقات بالای جامعه و با شرایط اقتصادی و شغلی مناسب، به ارتکاب جرم روی می آوردند که یکی از دلایل استقرار رقم سیاه بزهکاری، جرایم این گروه از افراد می باشد و در مقابل آن می توان به نوع جرایم مربوط به طبقه کارگران پرداخت که معمولاً در بین افراد طبقه پایین جامعه و با شرایط شغلی و اقتصادی نامطلوب رخ می دهد و از آن با عنوان جرایم یقه آبی نیز یاد می شود.

واژگان کلیدی: بزهکار، بزه، جنایت، جرم شناسی، حقوق کیفری

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Scientific Journal of Modern  
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469  
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,  
Magiran, Ensani,  
GoogleScholar  
[www.jaml.ir](http://www.jaml.ir)

fifth year, Issue 21

Pages 1-12

## Examining types of criminals from a criminological perspective

**Kian Molaei**

Master of Law, Criminal and Criminology Orientation, Islamic Azad University, Sanandaj Branch

**Dr. Gholamali Sanjari**

Assistant Professor, Jurisprudence and Fundamentals of Law Department, Al-Mustafa University,  
Qom, Iran.

### Abstract

The increasing number of crimes and its impact on society and the lives of individuals is undeniable and cannot be ignored. The importance of addressing this issue has long been of interest to many criminologists, sociologists, and lawyers. Accordingly, the purpose of this research was to examine the types of criminals from a criminological perspective. The approach of this research is descriptive-analytical in the form of content analysis and is applied in nature, and the method of conducting it is library-documentary. The results obtained in this study indicated that family status and circumstances, living environment, social class, occupational and economic status, age, and many other factors influence the type of criminal act committed by individuals. Accordingly, criminals are divided into different groups, such as white-collar criminals who were from the upper classes of society and with suitable economic and occupational conditions, who resorted to committing crimes. One of the reasons for the establishment of the black figure of crime is the crimes committed by this group of individuals. In contrast, we can discuss the type of crimes related to the working class, which usually occur among people from the lower classes of society and with unfavorable occupational and economic conditions, and are also referred to as blue-collar crimes.

**Keywords:** Criminal, crime, crime, criminology, criminal law

**JEL Classification:** Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

## مقدمه

بزه، عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد و لذا اقدام به عملی که برخلاف موازین، مقررات و معیارهای ارزشی فرهنگ هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین عمل خلافی شوند، مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

بزهکاری، همواره در بین کودکان و نوجوانان وجود داشته است، ولی از اواخر قرن نوزدهم تخلف و قانون‌شکنی این گروه سنی در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است. مفهوم بزهکاری، در اوایل قرن بیستم شکل گرفت و تا قبل از آن با متخلفین جوان و مجرمین بزرگسال، رفتاری تقریباً یکسان می‌شد. با گذشت زمان و تحول فکر و اندیشه و تغییر در ساختار خانواده، همچنین تغییرات نظری در عرصه جرم و بزهکاری، گام‌هایی در جهت کاهش مسئولیت کودکان در قوانین جزایی برداشته شد و با ایجاد دسته‌بندی مجزا برای بزهکاری، از بزهکاران در برابر تاثیر منفی مجرمین بزرگسال حمایت گردید (معظمی، ۱۳۸۸).

بزهکار در لغت به معنای گناه‌کار و خطاکار است (عمید، ۱۳۸۶). و در اصطلاح اعم، کسی است که مرتکب جنایت یا جنحه یا خلاف می‌شود و به معنی اخص مرتکب جنایت یا جرم را بزهکار یا مجرم می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷).

بزهکار باید از نظر روانی، یا بر ارتکاب جرم انجام یافته، قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرائم عمدی) یا در اجرای عمل به‌نحوی از انحاء و بی‌آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر

بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی شناخت (جرائم غیرعمدی) (نوربها، ۱۳۸۲).

قصد را معمولاً به اراده‌ی متمایل به هدف شخص تعریف می‌کنند. در حقوق جزا قصد مجرمانه را می‌توان میل و خواستن قطعی و منجز به انجام عمل یا ترک عملی دانست که قانون آن را نهی کرده است؛ البته این میل، خواسته یا اراده باید در شرایط متعارف یک انسان عاقل، مختار و واجد رشد جسمی و روانی باشد؛ در کنار قصد مجرمانه می‌توان از خطای جزایی نیز نام برد که در جرائم غیرعمد متصور است. جرائم با توجه به عنصر روانی آنها به دو بخش جرائم عمدی و جرائم غیر عمدی تقسیم می‌شوند. جرائم عمدی جرایمی هستند که با قصد منجز مجرمانه یعنی با تمایل و خواستن انجام فعل یا ترک فعلی که قانون از آنها نهی کرده است انجام می‌شوند. البته در برخی موارد مثل اشتباه ممکن است جرم از عمدی به غیرعمدی تغییر پیدا کند. در جرائم غیرعمدی عنصر روانی عبارت است از خطای جزایی که در اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، غفلت، سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی به وقوع می‌پیوندد. در این گونه جرائم تمایل به ارتکاب جرم وجود ندارد و تنها «خطای» ساده مجرم موجب می‌شود که عمل او در دایره‌ی جرائم غیرعمدی قرار بگیرد (نوربها، ۱۳۸۲).

عوامل تحقق بزهکاری را می‌توان به دو دسته عوامل درونی بزهکاری و عوامل بیرونی بزهکاری تقسیم کرد. منظور از عوامل درونی، عواملی هستند که در نهاد آدمی ریشه داشته و باعث تفاوت یک بزهکار از بزهکاری دیگر می‌شود که خود به دو عامل ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. منظور از عوامل ذاتی، عواملی هستند که فرد در آن‌ها هیچگونه دخالتی نداشته و

اثر وجود شرایط خاص و فشارهای خارجی که امکان فرار از تأثیرات آن برای یک فرد عادی امری مشکل است، به ارتکاب عمل دست می زند. مرتکبین این گونه جرایم عمدتاً در زندگی اجتماعی افرادی سازگار بوده و با هموعان خود

تفاوت چندانی نداشته و در اجتماع دارای هنجارهای مطابق با موازین و اخلاق عمومی هستند. بزهکاران اتفاقی همانطوری که پیناتل، می نویسد: تمایل به ارتکاب بدی ندارند و انگیزه آنان در ارتکاب بزه مقتضیات خارجی است، ارتکاب بزه اتفاقی آنان مخصوصاً ناشی از عدم پیش بینی است. بزهکاران اتفاقی را مرتکبین جرایم غیر عمدی، اشخاصی که از روی جهالت و ناشیگری، غفلت، تصادف، فورس ماژور، شبه موضوعی، اعمال حق، انجام وظیفه، دفاع مشروع، ضرورت، اضطرار، مرتکب جرم میگردند تشکیل میدهند (توکلی، ۱۳۹۱).

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی «معیارهای تشخیص بزهکاران اتفاقی و واکنش متناسب در برابر آنها» را مورد بررسی قرار دادند که نتایج این پژوهش نشان داد که مساله غیرقابل انکار در مبارزه با بزهکاری، لزوم توجه به شخصیت بزهکار است و بدون شناخت خصوصیات فردی او نمی توان تغییری را در روند مبارزه با بزهکاری انتظار داشت. در این میان، نسبت به گروهی تحت عنوان «بزهکاران اتفاقی»، حساسیت چشمگیری وجود دارد. بزهکاران اتفاقی عموماً اشخاص آبرومند و ملتزم به هنجارها و ارزش های اجتماعی هستند که در شرایط و اوضاع و احوال خاص، تحت تاثیر فشارهای محیطی، مرتکب جرم می شوند. این گروه از بزهکاران، با حسابگران جزایی و مرتکبان جرم در راستای تحصیل منفعت کاملاً متفاوت می باشند. عمده ترین ملاک ها در تشخیص و تمییز این گروه، از سایر بزهکاران عبارت است از ویژگی های شخصیتی بزهکار و شرایط و اوضاع و

بر حسب ذات و فطرت آدمی این عوامل پدید آمده اند که می توان گفت با سه مولفه نژاد، جنسیت و سن مرتبط هستند. در مقابل عوامل ذاتی، عوامل فردی اکتسابی و انتقالی قرار دارد. عوامل فردی اکتسابی، عواملی هستند که انسان در تعامل با جامعه و دیگران کسب می کنند. منظور از عوامل بیرونی بزهکاری، عواملی هستند که خارج از ذات شخص مرتکب در ارتکاب جرم مداخله دارد به بیان دیگر عوامل بیرونی جرم با عنوان محیط یعنی دنیای پیرامون فرد، مورد مطالعه قرار می گیرند که می توان محیط را به سه دسته محیط طبیعی، محیط اجتماعی حقیقی و محیط اجتماعی مجازی یا سایبری تقسیم کرد.

### انواع بزهکاری

از دیدگاه جرم شناسان بزهکاران را میتوان با توجه به نوع رفتار و عملی که انجام می دهند به گروه های مختلفی از قبیل بزهکار اتفاقی، بزهکار به عادت، بزهکار حرفه ای، بزهکار سازمان یافته، بزهکار یقه سفید، فسفری و کلسیمی تقسیم بندی کرد.

### بزهکار اتفاقی

بزهکارانی که تحت تاثیر شرایط و اوضاع احوال خاص اجتماعی و اقتصادی دچار عمل مجرمانه می شوند بدون آنکه حالت دوام یا ثبات داشته باشند و یا به حیات مجرمانه در زندگی فرد تبدیل شود، معمولاً کسانی هستند که تمایل به ارتکاب جرم ندارند و تحت تاثیر شرایط استثنایی مرتکب جرم می شوند. این افراد سعی می کنند از دنیای جرم خارج شوند مانند کسانی که تحت تاثیر شرایط اقتصادی دچار فرار مالیاتی می شوند.

این نوع بزهکاری معمولاً به اعمالی اطلاق می گردد که مرتکب بدون داشتن ویژگی یک تبهکار، بطور اتفاقی و تصادفی و در

میان همه این رویکردها، رویکرد سرکوب بزهکاران و تشدید مجازات در بسیاری از کشورها عمومیت یافت و بیشتر از سایر رویکردها در قوانین کشور ما جای گرفت. قانونگذار ایران نیز اقدام به نظارت و کنترل بزهکاران به عادت که دارای حالت خطرناکی هستند و در این رهگذر سعی در کنترل میزان جرم در سطح قابل قبول برای جامعه و اعضای آن نموده است. البته سیاست مقابله با بزهکاران در جهت مقابله با بازگشت به رفتار جنایی خالی از ایراد نیست (مدرس، ۱۳۹۰).

بزه‌کاری به عادت از جمله جرم‌هایی است که شمار زیادی از بزه‌کاری‌ها را دربرمی‌گیرد. این افراد که به دلیل برخورداری از ویژگی‌های زیستی روانی محیطی به طور پایدار به ارتکاب بزه می‌پردازند، برای جامعه بسیار خطرناکند. به همین دلیل بررسی و شناسایی عوامل عادت شدن بزه‌کاری در این افراد و شناسایی روش‌های مقابله با این بزه‌کاری از یک سو، سبب دفاع از جامعه و از سوی دیگر باعث کم‌تر به چرخش درآمدن چرخ‌های دستگاه عدالت کیفری می‌گردد (نیازپور، ۱۳۸۷). هیرشی ویژگی‌های بزهکاران به عادت را اینگونه می‌داند: ۱- در این افراد بزه‌کاری به صورت یک فعالیت مجرمانه مستمر درآمدی است. ۲- بزه‌کاری برای این افراد یک لذت آنی و یک رضایت خاطر را فراهم می‌کند از این رو لذت جویی یکی از ویژگی‌های بزهکار به عادت است. ۳- بزهکار به عادت حال نگر است و به دنبال منافع کوتاه مدت است. ۴- بزهکار به عادت تنوع گرا است یعنی جرایم متنوعی را انجام می‌دهد. ۵- بزهکار به عادت جرم را بدون برنامه ریزی و سازماندهی انجام می‌دهد. ۶- معمولاً بزهکاران به عادت از بهره‌های هوشی پایینی برخوردار هستند. ۷- اصولاً بزهکاران به عادت در یک خانواده نابهنجار و نابسامان و منحرف بزرگ شده‌اند.

### بزهکاران حرفه‌ای

احوال حاکم بر ارتکاب جرم، سیاست جنایی مورد قبول کشورمان، در نحوه برخورد با بزهکاران اتفاقی، راهکارها و تدابیر مناسبی از قبیل بهره‌مندی از نهادهایی چون بزه‌پوشی، توبه و قضازدایی مطرح کرده است؛ همچنان که لزوم اتخاذ تدابیر متناسب در برخورد با این بزهکاران، در مطالعات جرم‌شناسان نیز مطرح شده است که همواره مبتنی بر تساهل، تسامح و عدم توسل به مجازات‌های شدید می‌باشد.

### بزهکار به عادت

مفهوم بزهکار به عادت، با مطالعات جرم‌شناختی لمبروزو اهمیت ویژه‌ای یافت. با تقسیم‌بندی که در مکتب تحقیقی از بزهکاران به عمل‌آمد بزهکاران را به صورت: بزهکاران حرفه‌ای، بزهکاران به عادت، بزهکاران زادگانی، بزهکاران اتفاقی شناخته شدند. ویژگی‌های هر کدام از این بزهکاران برای پیشگیری از ارتکاب جرم مد نظر جرم‌شناسان قرار گرفت. بزهکاران به عادت افرادی هستند که مستمراً مرتکب جرم می‌شوند و برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند خطرناک محسوب می‌گردند، در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی بزهکار به عادت بزه‌کاری است که از طریق ارتکاب جرم امرار معاش می‌کند و از آنجایی که بزهکاران به عادت مشتریان ثابت دستگاه قضایی بوده و دولت‌ها همیشه هزینه‌های سنگینی را در برخورد با آنان متحمل می‌گردند، بازگشت به رفتار جنایی (تکرار جرم عام) بزهکار به عادت از مشکلات دست‌اندرکاران سیاست جنایی، علمای حقوق کیفری و جرم‌شناسی بوده است. نظریه‌های ارائه شده برای مقابله با این بزهکاران به عنوان راهکار، همواره یکی از منابع کمک به قانونگذاری در تقنین محسوب می‌شود. که می‌توان به نظریه‌های کلاسیک مبنی بر سزاگرایی، بازپروری، اصلاح و درمان، و در دهه‌های اخیر به تدابیر مدیریت خطر اشاره نمود. اما در

حرفه مجرمانه» بزهکاران حرفه ای را مورد بررسی قرار دادند که نتایج این پژوهش نشان داد یافته های تحقیقات ناظر به بزهکاری حرفه ای می تواند نقش مهمی در تصمیمات مراجع تصمیم ساز نظام عدالت کیفری ایفا نماید. این تصمیمات اصولاً در پنج نقطه اتخاذ می شوند: توقیف بزهکار، آزادی پیش از محاکمه، تعقیب، صدور حکم به مجازات و تصمیم به اتخاذ تدابیر مساعد نسبت به بزهکار از قبیل اعطای آزادی مشروط یا تعلیق مجازات.

### بزهکاران سازمان یافته

جرایم سازمان یافته عمل مجرمانه گروهی بیش از دو نفر است که در آنها تقسیم کار، سلسله مراتب و نظم حاکم است و برای مدت زمان قابل ملاحظه ای استمرار یافته و به صورت هدفمند و از سر تبانی برای کسب منافع مادی صورت می گیرد و استفاده از خشونت، پول شویی، نفوذ در مقامات سیاسی و قضایی از ویژگی های این گروه ها می باشد مانند مافیا.

در روان شناسی جنائی ثابت شده است در صورتی که برای ارتکاب جرم دسته، گروه و باند و امثال آن وجود داشته باشد از نظر روانی ارتکاب جرم برای شخص مرتکب آسانتر است و شخص با نگرانی و واهمه کمتری به ارتکاب جرم مبادرت می ورزد زیرا: اولاً: در ارتکاب جرم همکارانی دارد که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می سازند و او را به هدف مجرمانه اش نزدیکتر می سازند. ثانیاً: وجود شرکاء و معاونان در ارتکاب جرم موجب می شود که شخص از نظر روانی مجازات کمتری را در صورت تعقیب و محاکمه برای خود پیش بینی کند. ثالثاً: با وجود شرکاء و معاونین اهداف مجرمانه دست یافتنی تر به نظر می رسد چون با وجود مرتکبان متعدد و طراحی برنامه ریزی مناسب، شخص با اعتماد به نفس بیشتری مأموریت مربوطه را انجام می دهد (کی نیا، ۱۳۷۴).

بزهکاران حرفه ای کسانی هستند که اعمال مجرمانه فعالیت اصلی آنان را تشکیل داده و جرم را به عنوان شغل و حرفه خود قرار می دهند مانند کسانی که به صورت سازمان یافته دچار قاچاق کالا می شوند و یا از راه قوادی و روسپی گری امرار معاش می کنند.

در مقابل بزهکاران اتفاقی، مجرمانی قرار دارند که به دلیل سابقه فراوان و تجربه بزهکاری به صورت مجرم بالعدت درآمده و بدون تأثیرپذیری از تحمل مجازات و اقدامات تامینی با آگاهی و اطلاع از نتایج جامعه از عمل بزهکارانه با فراغ بال و طیب خاطر مبادرت به انجام عمل خلاف می نمایند. پیناتل، جرم شناس فرانسوی در رابطه با این دسته از بزهکاران می گوید: این گروه از بزهکاران اولین جرم خود را در سنینی که روش ملایمی دارند مرتکب می شوند و تقریباً جرم آنان منحصرأ علیه اموال است و کمتر تحت تأثیر تمایلات فطری هستند و انگیزه آنان ضعف روحی خاص آنان است، ولی پس از ارتکاب اولین جرم، عوامل مختلف دست به هم می دهند تا از چنین فرد بزهکاری تکرار کننده جرم بسازند. اینان عادت فرض با ارتکاب جرم پیدا می کنند و بزهکاری را شغل حقیقی خود می سازند (توکلی، ۱۳۹۱).

استفانی و همکارانش معتقدند: بزهکاری برای چنین فردی اشتغالی است لذت بخش و مطبوع طبع او که با خلق و خو و استعدادهای سازگار است. تبهکار حرفه ای در شروع بطور اتفاقی و سپس به علت مزایای حاصله از اولین بزهکاری آن را ادامه می دهد و چون از نظر روانی خود را کامیاب دیده، دیگر راهی را که برگزیده رها نمی کند استفانی بعد از بیان استدلال فوق می گوید: در هر حال بزهکاری حرفه ای یک واقعیت اجتماعی است که بدبختانه غیرقابل تردید می باشد.

غلامی (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «تکرار جرم به عنوان

به ویژه در ارتباط با قاچاق مواد مخدر توسط باند های قاچاق داخلی و بین المللی است، جا دارد قانونگذار برای پیشگیری، کنترل و سرکوب مظاهر آن با توجه به مفاد کنوانسیون فوق الذکر تدابیر قانونی مناسبی را پیش بینی کند (برندآبادی و همکاران، ۱۳۷۹).

#### بزهکاران یقه سفید

برای اولین بار ساترلند جامعه شناس، جرم شناس آمریکایی در دهه ۱۹۸۰ بزهکاران یقه سفید را مطرح کرد، این بزهکاران افرادی برخوردار از یک موقعیت برتر اقتصادی، اجتماعی در ارتباط با شغل خود هستند، این افراد با ظاهر سازی، تزویر و اظهارات خلاف واقع و با سوء استفاده از موقعیت خود مرتکب جرم می شوند و هم ظرفیت جنایی بالایی دارند و هم قابلیت انطباق و سازگاری بالایی دارند. یکی از دلایل استقرار رقم سیاه بزهکاری جرایم یقه سفید است. دلماس مارتی، بزهکاران یقه سفید را بزهکاران دنیای اقتصاد و تجارت خواند و بر این باور بود که به قشر خاصی تعلق دارند و عمدا قوانین را نقض می کنند.

بیش از شش دهه از زمان انتشار اثر مهم و ماندگار ادوین اچ. ساترلند تحت عنوان جرم یقه سفیدی می گذرد. وی این موضوع را به اعتبار اهمیت آن برای جامعه مدنی آمریکا تشریح کرد و در این مسیر، آغازگر اهتمام دقیق و انجام پژوهشهای جرم شناسانه عمیقی شد که بعدها از سوی جرم شناسان بزرگی دنبال گردید. بر اساس دیدگاه جرم شناسان، بزهکاران یقه سفید که اصولا فاقد وجدان اخلاقی اند، از یک سو، از توان و استعداد بزهکاری بسیار زیادی برخوردارند و از سوی دیگر، میزان سازگاری و قابلیت اجتماعی آنان نیز بالا است. همین امر، مبین آسیبهای احتمالی ناشی از حالت خطرناک این بزهکاران خوش سیما است. بزهکاران یقه سفید اغلب به

از جمله مهمترین خطرهایی که جامعه جهانی را در آستانه هزاره سوم به طور جدی تهدید می کند، جرم سازمان یافته است.

این عنوان در علم جرم شناسی شامل فعالیتهای مجرمانه شدید توسط گروههای مجرمانه ای می شود که با داشتن تشکیلات منسجم و پیچیده و با ویژگیهای خاص برای کسب منافع مالی یا قدرت مرتکب جرم می شوند، هرچند در علم حقوق پیچیدگی و ویژگیهای خاص گروه چندان مورد نظر قانونگذار نیست. جرم سازمان یافته اگر چه از سالیان دور وجود داشته است، لکن جهانی شدن اقتصاد و وابستگی اقتصادی کشورهای دنیا به همدیگر، توسعه صنایع مربوط به ارتباطات و حمل و نقل بین المللی و تبدیل شدن دنیا به دهکده ای جهانی موجب گردیده است تا جرم سازمان یافته جنبه ای فراملی نیز به خود گیرد و قلمرو خود را بر عرصه بین المللی بگستراند. از حیث پیشینه، این جرم ابتدا در جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی مورد بحث قرار گرفته است و پس از تبیین تهدیدها و آثار مخرب آن بر جامعه، بعضی از دولتها آن را به تدریج وارد حقوق داخلی خود کرده اند. به علاوه معاهدات منطقه ای و بین المللی دو یا چند جانبه مختلفی نیز برای مقابله با مظاهر این جرم به امضا دولتهای مختلف رسیده است. به سبب اهمیت مبارزه با جرم سازمان یافته، کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی ملل متحد برای مبارزه همه جانبه بین المللی با مظاهر این جرم و هماهنگ سازی قوانین داخلی مربوط، در نوامبر سال ۲۰۰۰ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه ای به تصویب اعضا رسید و از ۱۵ دسامبر این سال طی کنفرانسی در پالرمو ایتالیا برای امضاء مفتوح گشت. با توجه به اینکه ایران نیز یکی از کشورهای درگیر مبارزه با جرم سازمان یافته

تقی پور (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان « مجرمین یقه سفید از دیدگاه جرم شناسی و نهج البلاغه » یافته های خود را این گونه بیان کرد: در اواسط قرن بیستم میلادی، اصطلاحی تحت عنوان جرم یقه سفیدی مطرح گردید و پژوهش های متعددی در این رابطه انجام شد. از دیدگاه جرم شناسی، بزهکاران یقه سفید از یک سو، به دلیل تعلق به طبقات مهم سیاسی یا اجتماعی از توان و موقعیت بالایی برای بزهکاری برخوردار بوده و از سوی دیگر، میزان سازگاری آنان با جامعه نیز بالا است و همین امر باعث می گردد که کمتر در معرض تعقیب کیفری قرار گیرند. به عبارت دیگر، تبحر و مهارت بالایی که این دسته از بزهکاران واجد آن هستند باعث می شود که به سهولت بتوانند ضمن انجام رفتار مجرمانه، آن را از دید عموم مخفی نگاه دارند. این در حالی است که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) قرن ها قبل از این که موضوع جرم یقه سفیدی در قلمرو جرم شناسی مورد توجه قرار گیرد، در بیانات خویش به صراحت، وجود چنین بزهکارانی را مورد اشاره قرار داده و در زمان امامت خویش با آن به مقابله برخاسته اند. بدین معنا که با برشمردن ویژگی هایی عیناً مانند ویژگی های بزهکاران یقه سفید، نسبت به برخی از افرادی که در زمان آن حضرت دارای مناصب بالای اجتماعی بودند به وجود بزهکارانی اشاره می فرمایند که مانند بزهکاران یقه سفید عصر حاضر با چهره ی حق به جانب و ریاکارانه مبادرت به چپاول اموال بیت المال می کردند.

#### پیشگیری از جرم

طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» است. با توجه به تاریخ و شیوه های مبارزه بشر با پدیده جرم، جرم شناسان پیشگیری از جرم را به دو گونه پیشگیری کیفری و پیشگیری

طبقات اجتماعی بالا اعم از سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی تعلق دارند و با بهره گیری از قدرت و نفوذ موثر خود، به ارتکاب جرایمی همچون کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، جعل، سوء استفاده از کارتهای اعتباری و دیگر جرایم مشابه اقدام می کنند. آنها به لحاظ ظاهر آراسته، وجاهت عمومی و در پناه هوشیاری و مقبولیت اجتماعی، بزهکاران یقه سفید نام گرفته اند. در نتیجه اقدامات بزهکارانه آنان، گاه تا مدتها آثار شوم و دهشت باری بر ابعاد ساختاری جامعه به ویژه بعد اقتصادی سایه می افکند. لذا بررسی و مطالعه جرم یقه سفیدی از دیدگاه جرم شناختی با توجه به گسترش روز افزون این جرم و پیامدهای مخرب آن در جوامع و لزوم اتخاذ تدابیر اساسی و موثر در برخورد با بزهکاران یقه سفید ضروری می نماید (موسوی مجاب، ۱۳۸۳).

مجرمین یقه سفید کسانی هستند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می شوند. مهم ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه ای و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه سفیدی بزه دیده مستقیم دارند و برخی بزه دیده مستقیم ندارند ولی به هر حال جامعه و اعضای آن بزه دیده واقع می شوند. از این رو، کلیه افراد جامعه باید تشویق به همکاری در مقابله با این جرایم شوند و به اندازه کافی تحت حمایت قانونی واقع شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدی جرم انگاری شده ولی تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آنها صورت نگرفته است (سلیمی، ۱۳۸۷).

هستند به منظور جامعه‌پذیر و قانونگرا ساختن افراد و حفاظت از آماج‌های جرم جهت جلوگیری از وقوع جرم. پیشگیری غیرکیفری خود به دو گونه وضعی و اجتماعی تقسیم شده‌اند:

### پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تاثیر می‌گذارد. این روش پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید. در حقیقت پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم یا غیرمستقیم هدف تاثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازماندهی فعالیت خود، حول محور انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند.

### پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندد.» تعریف کرده‌اند و هدف آن اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند چرا که از نظر طرفداران پیشگیری وضعی انسان موجودی حسابگر است و سود و زیان عملش را می‌سنجد. برای رسیدن به این هدف روش‌های پیشگیری وضعی در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند: ۱- روش‌هایی که کوشش و تلاش برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. ۲- فنونی که ارتکاب جرم را پرخطر می‌کند. ۳- وسایلی که جذابیت موضوع جرم را کاهش می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

غیرکیفری تقسیم کرده‌اند، اصطلاح پیشگیری از جرم در معنای وسیع خود شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می‌شود ولی در مفهوم مضیق پیشگیری فقط تدابیر غیرکیفری را شامل می‌شود (معظمی، ۱۳۸۶).

### پیشگیری کیفری

پیشگیری کیفری با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سو، و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری عام و پیشگیری خاص از جرم است. منظور از پیشگیری عام، استفاده از جنبه‌های ارعاب‌آمیز حقوق کیفری و مخصوصاً مجازات است با این استدلال که ترس از دستگیری و مجازات، افراد را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماید لذا قانونگذار با جرم انگاری برخی رفتارها همچون سرقت و قاچاق و تعیین مجازات برای مرتکبین اینگونه اعمال و ترساندن افرادی که در صورت نبودن مجازات ممکن است برای ارتکاب جرم وسوسه شوند از وقوع جرم پیشگیری می‌کند و منظور از پیشگیری کیفری خاص از جرم، پیشگیری از تکرار بزه توسط بزهکار است، که با اصلاح مجرمین که طبق قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظائف قوه قضائیه است محقق می‌شود همچنانکه ماده ۳ آئین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۲۰ از نگهداری محکومان در زندان، حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازگاری آنهاست (ابرنادادی، ۱۳۸۳).

### پیشگیری غیر کیفری

این نوع پیشگیری که قبل از وقوع جرم انجام می‌گردد یعنی توسل به اقدام‌های غیرسرکوبگر و غیرقهرآمیز که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی، آموزشی و غیره

ادعا کرده است که بزه‌کاران یک کروموزوم Y اضافه داشته‌اند. بر اساس فرضیه هوربرت، ساختمان ژنتیک افراد در تحریک‌پذیری و پرخاشگری آن‌ها نقش دارد.

با توجه به اهمیت بالای امنیت در زندگی افراد و جلوگیری از افزایش و رشد جرایم در جامعه، با شناخت انواع مختلف بزه‌کاران و بررسی دلایل اقدام به جرم در بین این افراد و با کمک جرم‌شناسی می‌توان نسبت به کاهش نرخ جرایم گام موثری برداشت چراکه با کمک خواستن از علم جرم‌شناسی، به چرایی و علل ارتکاب جرم و بزه‌کاری و راه‌های اصلاح و درمان بزه‌کار و پیشگیری از تکرار بزه دست خواهیم یافت. با توجه به قانون حرارتی بزه‌کاری، بین سردی و گرمی هوا و جرایم رابطه وجود دارد بدین نحو که در فصول سرد، جرایم علیه اموال به خصوص سرقت بیشتر اتفاق می‌افتد و در فصول گرم جرایم علیه اشخاص مانند قتل و ضرب و جرح بیشتر صورت می‌گیرد و با آگاهی از اینگونه یافته‌ها می‌توان در جهت پیشگیری و کنترل آن قدم برداشت.

با توجه به مطالعات و نظریه‌های مختلف جرم‌شناسان در گذشته و اهمیت جرم و جنایت و راه‌های کنترل و پیشگیری از بزه و درمان بزه‌کار می‌توان گفت که دانش جرم‌شناسی از گذشته تاکنون اهمیت ویژه‌ای داشته است و با شناخت بهتر و بیشتر انواع بزه‌کاری می‌توان در کاهش میزان جرایم گام‌های موثری برداشت. یکی از نخستین انسان‌شناسان فرانسوی، بروکا مدعی کشف ویژگی‌های در جمجمه و مغز بزه‌کاران گردید که آن‌ها را از افراد پیرو قانون متمایز می‌ساخت. جرم‌شناس ایتالیایی سزار لومبروزو، که در سال‌های دهه ۱۸۷۰ کار می‌کرد، ادعا می‌نمود که بعضی افراد با تمایلات بزه‌کارانه متولد می‌شوند و در حقیقت روی آوردن به بزه‌کاری در آن‌ها؛ نوعی بازگشت به اصل یا انسان ابتدایی‌تر است. او معتقد بود انواع بزه‌کاران را می‌توان از روی شکل جمجمه تشخیص داد. لومبروزو می‌پذیرفت که یادگیری اجتماعی می‌تواند بر تکامل تمایلات بزه‌کارانه تأثیر بگذارد اما بزه‌کاران را از نظر زیست‌شناختی ناقص می‌دانست. ریچارد داگدیل، برای بررسی رفتار بزه‌کارانه به شجره‌نامه‌های خانوادگی توجه نشان داد تا تفاوت در تمایلات ارثی نسبت به بزه‌کاری را نشان بدهد. اندیشه ارتباط میان ساختمان زیستی و بزه‌کاری در مطالعات ویلیام شلدن در سال ۱۹۴۰ از سر گرفته شد. شلدن سه نوع اصلی ساختمان بدنی انسان را متمایز کرد و مدعی گردید که یکی از آن‌ها مستقیماً با بزه‌کاری ارتباط دارد. شلدن نوشت که انواع دارای ماهیچه‌های قوی و فعال بیش از افراد دارای ساختمان بدنی لاغر یا افراد فربه؛ احتمال دارد که بزه‌کار شوند. مطالعات دیگری که جان گولک انجام داد؛ یافته‌های نسبتاً مشابهی را تأیید کرد. آرتون هوربرت تمایلات بزه‌کارانه را با گروه خاصی از کروموزوم‌ها در توارث ژنتیکی مربوط ساخته است. هوربرت

۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حبیب زاده، محمدجعفر، و شمس ناتری، محمدابراهیم. (۱۳۷۹). جرم سازمان یافته در جرم شناسی و حقوق جزا. مدرس علوم انسانی، ۴ (پیاپی ۱۷)، ۵۳-۷۴.
۱۳. کی‌نیا، محمد، روان‌شناسی جنائی، ص ۳۲۳ - ۳۲۴، تهران، رشد، ۱۳۷۴.
۱۴. سلیمی، صادق. (۱۳۸۷). مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران. مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۳۸ (۴)، ۲۳۹-۲۵۴.
۱۵. موسوی مجاب، سیددرد. (۱۳۸۳). بزهکاران یقه سفید. مدرس علوم انسانی، ۳۸ (پیاپی ۳۴)، ۶۱-۸۳.
۱۶. تقی پور، علیرضا. (۱۳۹۳). مجرمین یقه سفید از دیدگاه جرم شناسی و نهج‌البلایه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلایه، ۱ (۳)، ۵۵-۶۶.
۱۷. معظمی، شهلا، پیشگیری جرم‌شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، سال اول، تابستان ۸۶، شماره اول.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، مندرج در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، تهران، سمت، ۱۳۸۳، چاپ اول.
۱۹. گسن، ریمون، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. جان، کاتینگهام، فلسفه مجازات، مترجمان: ابراهیم باطنی و محمد برهانی، فصلنامه فقه و حقوق، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۴.

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

## منابع

۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶، چاپ ۲۸، ج ۱، ص ۳۵۱.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چاپ ۱۹، ش ۴۸۸۴، ص ۶۱۸.
۳. نوربها، رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ هفتم.
۴. تقدیر، محمدکاظم، تقریرات جرم شناسی علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲.
۵. محمدی اصل، عباس، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، تهران، علم، ۱۳۸۵، چاپ اول.
۶. معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، ص ۱۷، تهران، دادگستر، ۱۳۸۸، چاپ اول.
۷. توکلی، راحله (۱۳۹۱)، بررسی شیوه ی ارتکاب قتل، نوع قتل و انگیزه های قاتلان سریالی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشکده پردیس نیمه حضوری علامه طباطبائی
۸. ابراهیمی و همکاران، معیارهای تشخیص بزهکاران اتفاقی و واکنش متناسب در برابر آنها، نشریه قضاوت، پیاپی ۸۳ (پاییز ۱۳۹۴)
۹. مدرس، لیدا (۱۳۹۰)، سیاست جنایی ایران در قبال بزهکار به عادت، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۱۰. نیازپور، امیرحسین، بزه کاری به عادت: از علت شناسی تا پیش گیری، تهران: فکرسازان، ۱۳۸۷.
۱۱. غلامی، حسین، تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲، زمستان ۱۳۸۲.